

نفت و قلم

نام آوران عرصه قلم در صنعت نفت ایران

احمد راسخی لنگرودی

راسخی انگرودی، احمد، ۱۳۳۷. نفت و قلم: نام‌آوران عرصه قلم در
صنعت نفت ایران، تهران، کویر، ۱۳۹۱.

نمایه. فیبا. ISBN: 978-964-214-051-0

۳۶۸ ص. مصور. فیبا. کتابنامه: [۳۵۱-۳۵۸]؛ همچنین به صورت زیرنویس.
کتابخانه نفت - ایران - سرگذشتنامه و کتابشناسی.

۶۶۵/۵۰۹۲۲

HD ۸۰۳۹ / ۵۷۴ الف ۹

۲۴۸۹۶۰۴

کتابشناسی مالی:



نفت و قلم

نام‌آوران عرصه قلم در صنعت نفت ایران

□ احمد راسخی لنگرودی

• طراح جلد: سعید زاشکائی • حروفنگار و صفحه‌آرا: انتشارات کویر، بنسربین قدرتی

• لیتوگرافی و چاپ: غزال • صحافی: کیمیا • شمارگان: ۱۵۰۰ • چاپ اول: ۱۳۹۱

نشانی: تهران کریم‌خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

• ص.ب.: ۶۴۹۴-۱۵۸۷۵ • تلفن: ۱۹۹۲-۸۸۳۰۱۹۸۳ • فاکس: ۸۸۸۳۲۲۱۷ • قیمت: ۹۰۰۰ تومان

• شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۰۵۱-۰ ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۴-۰۵۱-۰ ISBN: 978-964-214-051-0

Email: kavirbook@gmail.com

○ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



شرکت بی‌پایان دانش برای توسعه علمی ایران

فهرست

۱۱	 مقدمه
۲۱	 محمد علی موحد، محقق، مورخ و ادیب برجسته
۳۲	 نفت و فساد و بدبختی؟
۳۳	 سرود آزادی
۳۴	 ۲۸ مرداد در خرمشهر
۳۵	 آبادانی که من دیدم
۳۷	 حسن کامشاد، نویسنده‌ای پیوسته در نوشتن
۴۶	 آبادان، شهری بیگانه
۴۹	 آسانسور منتظر آقا است!
۵۱	 اسماعیل فصیح، رمان‌نویس برجسته و مترجم زبردست
۶۳	 تولد عشق عقد مرگ
۷۱	 منوچهر بزرگمهر، مؤلف و مترجم آثار فلسفی
۷۷	 دلمه بادنجان
۷۸	 تجارب السفر
۸۱	 ابوالقاسم حالت، ملک‌الشعرای نفت
۹۱	 معجزه شهر
۹۲	 فساد و ارتشا در ادارات
۹۳	 نمونه‌ای از اشعار طنزآمیز

صادق چوبک، از باتیان قصه‌نویسی و صاحب‌سبک	۹۷
عدل	۱۰۵
ابراهیم گلستان، نویسندهٔ کلاسیک، مترجم نوگرا و فیلمساز پیشگام	۱۰۹
ماهی و جفتش	۱۱۹
نجف دریابندری، آقای نیم‌قرن ترجمه	۱۲۳
کتاب مستطاب آشپزی از سیر تا پیراز	۱۳۴
عزیزالله فولادوند، مترجم نام‌آشنای متون فلسفی	۱۳۹
خرد در سیاست	۱۴۹
گریز از آزادی	۱۵۲
صفدر تقی‌زاده، نویسنده‌ای با یک دنیا خاطره	۱۵۵
بازتاب ادبیات مدرن آمریکا بر داستان‌نویسی معاصر ایران	۱۶۴
مسعود برزین، روزنامه‌نگار و نخستین دبیر سندیکای نویسندگان و	۱۷۱
چگونه روابط عمومی کنیم؟	۱۸۱
مصطفی فاتح، نخستین مدیر ایرانی در نفت	۱۸۷
نهضت ملی‌کردن نفت از نظر کلی	۱۹۵
حمید نطقی، پدر روابط عمومی ایران	۲۰۱
مدیریت و روابط عمومی	۲۰۹
ناصر نجمی، نویسندهٔ کتاب‌های تاریخی و عضو هیأت خلع ید	۲۱۵
مجادلهٔ من با یک مقام انگلیسی شرکت	۲۲۴
آشفته‌گی نسبی در اوضاع اداری و فنی شرکت پس از خلع ید	۲۲۶
شهادت ناخدا «بایندر» برگی از شرم‌آورترین جنایات	۲۲۸
فؤاد روحانی، نخستین دبیرکل سازمان اوپک	۲۳۱
صنعت نفت پس از ملی‌شدن	۲۳۹

۲۴۵	محمدعلی صفریان، از پیشگامان ترجمه در ایران
۲۵۲	گل
۲۶۱	پروین دولت‌آبادی، مشهور به «شاعر کودک»
۲۶۷	شهر سنگی
۲۶۸	نوروز
۲۶۹	آیه‌های تنهایی
۲۷۱	مهرداد مهرین، کسی که ۸۰ سال زیست و ۸۰ اثر برجای نهاد
۲۷۹	روح تسخیرناپذیر ایرانی
۲۸۱	دادگستری در ایران باستان
۲۸۲	تعلیم و تربیت در ایران
۲۸۵	منوچهر فرمانفرمایان، نویسنده کتاب «خون و نفت»
۲۹۳	وضعیت کارگران ایرانی در آبادان
۲۹۵	جداسازی در آبادان
۲۹۶	فال نیک
۲۹۹	مهدی ماحوزی، ادیب و نویسنده‌ای الهام‌گرفته از نفت
۳۰۷	زبان به تعبیر مولوی «نردبان آسمان»
۳۰۸	گزارش‌نویسی
۳۱۵	محمدجعفر مصفا، نویسنده‌ای عارف و صاحب مکتب
۳۱۵	با پیر بلخ
۳۲۹	محمد نقی‌زاده، نویسنده‌ای سخت‌کوش در هنر معماری
۳۳۴	تأثیرات هنر و فرهنگ بر یکدیگر
۳۳۵	تأثیر هنر بر فرهنگ
۳۳۸	تأثیر فرهنگ بر هنر

۲۴۱	روح‌انگیز راهگانی، نویسنده، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی
۲۴۶	موسیقی ایران از نظر تاریخی
۲۴۸	ویژگی تراژدی
۲۵۱	منابع
۲۵۹	نماد

www.ketab.ir

مقدمه

قلم را حقیقت چیست مقبول کدام و مردود کدام؟ قلم حاصل اندیشه‌های سترگی است که در درازنای تاریخ اندیشه بشری پدید آمده است. اندیشه‌های سترگ و نبوغ‌های تحول‌ساز به واسطه آن مجال بروز و ظهور می‌یابند و وصف جاودانگی و ماندگاری می‌گیرند. در این ساخت است که امانت‌های الهی همچون ستارگان هدایت‌گر در آسمان روح انسانی می‌درخشند و کمال حقیقی بشر را به ترسیم می‌کشانند. گسست بندهای رقیب و بردگی و گریز از جهل و غیابت در پرتو بسط حوزه قلم و ارج نهادن به این ودیعه الهی ممکن می‌گردد. در سایه قلم است که جوهر حقیقت چهره می‌گشاید و آزادی نظر و اعتلای فکر در وجود انسان هستی می‌گیرد و به بار می‌نشیند. در این گستره است که معرفت و دانش حقیقی نورانی می‌یابد و ذهن معرفت‌یاب را به چشمه‌سار دانایی می‌کشاند.

قلم ترجمان اندیشه و دژ مستحکم ذهن‌های پرگوهر و ملجا و مأمن استعدادهای سرشار از پویایی است. آنجا که چرخه تفکر با جوهر قلم بر نطع وجود به چرخش درنیاید آن تفکر را حیات نشاید و اثر نبخشاید؛ بل نوری است که به یکبار درخشیدن می‌گیرد و از خاطره دهر می‌جهد. شکوه و جلال فرهنگ‌ها در گرو اندوخته‌های قلمی است. هموست که سرچشمه پیدایش تمدن‌ها، منشأ بیداری اندیشه‌ها و مایه بسط آگاهی آدمی قرار می‌گیرد. هر اندیشه‌ای اگر در قالب قلم نگنجد و در سطور نوشتار ننشیند ماندنی نمی‌شود. میزان فهم و درک و دامنه شناخت اندیشمندان در این حوزه معلوم می‌گردد، که در عبارتی گفته‌اند: «عقول الفضلا فی اطراف افلامها».

قلم بهترین و کارآمدترین ابزاری است که آدمی را به مقصود نایل می‌گرداند و وی را بیش از پیش توان حرکت و پیشرفت در جهت مطلوب می‌دهد که در حوزه تمثیل گفته‌اند: «قلم برابر تیغ است، بلکه فاضل‌تر».

قلم این سعادت ابدی و بخت بلند را داراست که به عنوان نخستین آفرینش خداوندگار، جلوه کرد و تحت فرمان او در بدایت امر همه چیز را از صدر تا ذیل دوره کرد و بر صفحه جاویدان الهی بنوشت: «جف القلم بماهو کائن الی یوم الدین». چنان‌که در اسرارنامه عطار به زبان لطیف آمده است: «گویند اول چیزی که خدای تعالی آفرید قلم بود، بنظر هیبت او نگرید، بشکافت، آنکه گفت برو، گفت به چه روم؟ گفت، هرچه خواهد بودن تا روز قیامت به لوح محفوظ برفت و هرچه بودی بود بنوشت تا روز قیامت».^۱

همچنین قلم در کتاب آسمانی از جایگاه ارزشی ویژه و مقام والا و بس ارجمندی برخوردار است. به طوری که در قالب سوگند تا منتهای درجه منزلت می‌یابد: «ن و القلم و ما یسطرون».

قلم در بنای حکومت‌ها و پایداری دولت‌ها همچون سلاح و تجهیزات نظامی نقش حیاتی و سهمی ویژه را داراست. چنان‌که حکومت‌های بی‌بهره از تیغ قلم هرچند که به آخرین و پیشرفته‌ترین زرادخانه‌ها مجهز باشند پس از چندی در معرض زوال و تلاشی قرار می‌گیرند. دولت‌هایی بقا، دوام و استواری می‌یابند که همواره از این منبع سرشار تغذیه کردند و در تقویت آن چون ابزار دفاعی بکوشند.

ملوک را قلم و تیغ برترین سهمی است
بترسد از قلم و تیغ سپر شرزه‌نر
بنای ملک به تیغ و قلم کنند قوی
بدین دو چیز بود ملک را شکوه و خطر
همه شهبان و بزرگان و خسروان جهان
بدین دو چیز جهان را گرفته سرتاسر
در کتاب نوروزنامه منسوب به خیام در اهمیت و تأثیر قلم در صلاح و فساد اجتماع و حکومت و همچنین لزوم اعزاز و اکرام خداوندگاران آن چنین آمده است:

«چنان خواندم در اخبار گذشتگان که وقتی امیری رسولی فرستاد به (نزد) ملک فارس با نیقی برهنه (شمشیر بی غلاف) گفت: «این تیغ بیر و پیش او بنه و چیزی مگوی». رسول بیامد و همچنان کرد، چون تیغ بنهاد و سخن نگفت، ملک وزیر را فرمود: «جوابش بازده وزیر سر دوات (قلمدان) بگشاد و یکی قلم سوی راه انداخت و گفت: «اینک جواب»: رسول مردی عاقل بود. بدانست که جواب پرسید و تأثیر قلم صلح و فساد مملکت را کاری بزرگ است و خداوندان قلم را که معتمد باشند عزیز باید داشت»^۱

قلم در نزد عده‌ای از ارباب قلم تا آنجا قداست، منزلت و محبوبیت می‌یابد که با هیچ چیز معامله و معاوضه نمی‌کردد. از آن جمله است مرحوم دکتر علی شریعتی که در عبارتی بسیار زیبا آورده است: «قلم توتم من است، توتم ماست، به قلم سوگند ... که توتم مقدسم را نمی‌فروشم، نمی‌کشم، گوشت و خونس را نمی‌خورم، به دست زورش تسلیم نمی‌کنم، به کیسه زورش نمی‌بخشم، به سر انگشت تزویرش نمی‌سپارم، دستم را قلم می‌کنم و قلم را از دست نمی‌گذارم، چشمهایم را کور می‌کنم، گوشهایم را کر می‌کنم، پاهایم را می‌شکنم، انگشتانم را بند بند می‌برم، سینهم را می‌شکافم، قلبم را می‌کشم، حتی زبانم را می‌برم و لبم را می‌دورم اما قلم را به بیگانه نمی‌دهم».^۲

در رساله پولس به کاتبان توصیه بر این است: «زینهار تا کلام را به خاطر نان نفروشی و روح را به خدمت جسم درنیاوری، به هر قیستی گرچه به گرانی گنج قارون، زرخرید انسان مشو، اگر می‌فروشی همان به که بازاری خود را اما قلم را هرگز. در کلام خود عزاداران را تسلا باش و ضعفا را پشتوانه، ظالمان را تیغ رودررو».

اهمیت قلم در نزد فرزندان علم و ادب تا بدانجاست که بسیاری را در حقیقت آن به وادی تامل کشانده است. بازجست‌های نظری بزرگان به‌منظور تمییز عرضه‌های صواب از خطا و تشخیص نظرات مقبول از مطرود، خود نشان از این مدعا دارد. در

۱. به نقل از کتاب «نمونه‌های نظم و نثر فارسی»، جلد اول، تألیف جمعی از مؤلفین، ص ۱.

۲. دکتر علی شریعتی، مجموعه آثار ۱۳، ص ۶۱۲.

این راستاست سخن عین القضاات همدانی که گفت: «چه گویی ترا مهمترین کار آن است که بدانی قلم را حقیقت چیست مقبول کدام و مردود کدام».

قلمی روشنگر و صواب می‌نماید که دریچه‌ای به سوی حقیقت بگشاید. راهی هموار به عرصه سعادت‌مندی‌ها نشان دهد. سیمایی از معارف و حقایق را به وضوح و روشنی ترسیم دارد و کمال واقعی بشر را به وجهی جامع نشانگر باشد.

توانمندی قلم معلول دقت‌های مسئولانه و متعهدانه‌ای است که از ناحیه صاحب اثر صورت می‌پذیرد. بازنگری نقادانه قلم‌زن نسبت به اثر نوشتاری خود شرط لازم توانمند شدن قلم است. «در اندرون هر نویسنده‌ای ناقدی نیز پنهان است که آثار او را نقد می‌کند»^۱.

نویسندگانی در حوزه نوشتار می‌درخشند که پیش از هر کس خود منتقد آثار خویشند و خود را در موضع مقابل نشانده و عیوب و نواقص محصول خود را بی‌طرفانه می‌جویند و علاوه بر نوشتن در حوزه عیب‌جویی نیز نقش ایفا می‌نمایند. نولستوی معتقد است: «در هر نویسنده‌ای همواره می‌باید دو شخصیت با هم وجود داشته باشد یکی نویسنده و دیگری منتقد».

نقش کارآمد قلم در پی‌ریزی بنیادهای فکری آدمیان رسالت خطیر و وظیفه‌ای خاص را بر دوش صاحبان قلم می‌نهد که حکم ترازو و التزام بدان آفات جریان‌ناپذیری را در پی می‌آورد. از اینرو در گذشته آندسته از اربابان قلم که بر سلامت و صحت همیشگی قلم تاکید می‌ورزیدند و غایت قلم را صرفاً هدایت‌گری و کمال‌آوری به‌شمار می‌آوردند کم‌وبیش زنجاری از سر مسئولیت نصب دارندگان قلم نموده‌اند و خود و دیگران را از کژی در نوشتار برحذر داشته‌اند.

زنده‌یاد آل‌احمد در اثر خواندنی خود «نون والقلم» طی عباراتی این امر را یادآور می‌شود: «همه حرف‌ها و سخن‌های عالم از همین سی و دو تا حرف درست شده به هر زبان که بنویسی. اصل قضیه فرق نمی‌کند. هرچه فحش و بد و بیراه هست، هرچه

کلام مقدس داریم، حتی اسم اعظم خدا... همه‌اشان را با همین سی و دو تا حرف می‌نویسند. می‌خواهم بگویم مبدا یک وقت این کوره سوادى که دارى جلوى چشمت را بگیرد و حق را زیر پا بگذارد. یادت هم باشد که ابزار کار شیطان هم همین سی و دو تا حرف است. حکم قتل همه بیگناه‌ها و گناهکارها را هم با همین حروف می‌نویسند. حالا که این‌طور است مبدا قلمت به‌ناحق بگردد و این حروف در دست تو یا روى کاغذت بشود ابزار کار شیطان.»

رسالت اجتماعى قلم مانع از آن می‌شود که طریق نوشتار به سمت بی‌تفاوتی‌ها هدایت گردد و ابزار قلم در مسیرهای نابجا و خارج از مسئولیت‌های خطیر اجتماعى به‌کار گرفته شود. بلکه مقتضى دردمندی و دردآشنایی و داشتن دلیری در ابراز آن است. ایفای مسئولیت اجتماعى از سوى نویسنده مستلزم تلاشی مستمر و مسئولانه در جهت بسط دامنه آگاهی و تحریک حس کنجکاوى خویش می‌باشد تا بدین‌وسیله چترى از چترایی و پرسش را بر موضوعات مختلف بیفکند و بر عمق و غنای محصول قلم هر چه بیشتر بیفزاید. تامل، دانایی، پرسش و احساس وظیفه تمام آن چیزهایی است که ارباب قلم را به وادی حقیقت نزدیک می‌سازد و به وی توان اثرگذاری و هدایت در مسیر درستی می‌بخشد.

جلال آل‌احمد در بیانی خودمانی و مانوس رسالت اجتماعى نویسنده را این‌چنین ترسیم می‌دارد: «... آن نویسنده‌ای که نشسته و می‌گوید من برای سایه‌ام می‌نویسم می‌خواهد بگوید که می‌ترسم به همسایه‌ام بگویم. سرنوشت من و تو این است رئیس که روز به روز داناتر بشویم و روز به روز دوزخ تعقل خودمان را داغتر کنیم. یعنی دایما چرا گفتن، دایما پرسیدن و ...»^۱

قلم مادام هدایتگر خواهد بود که ناظر بر تعالی روح و کمال انسانی بوده و در تبیین و تحلیل امور از صراط صحیح گذر کرده باشد. جامعیت صاحب قلم در اموری چند - لازم و بایسته - این وجه را به‌خوبی ممکن می‌سازد.

قلم‌های آموزنده و پرمحتوی گذشته از این‌که همواره در عمل سازنده و اثربخش می‌نمایند پیوسته محل مراجعات شیفتگان و مغذی ره‌پویان عرصه علم و فرهنگ به‌شمار می‌آیند. به‌لحاظ مضامین بلند و آموزه‌های بنیادین گذشت زمان کم‌ترین تأثیری در مراتب ارزشی آن نداشته و از مقام و مرتبت آن نمی‌کاهد. بلکه به‌رغم گذر ایام و تغییرات زمان بیش از پیش جلا و درخشیدن می‌گیرند و دامنه معنا و مفهوم آن فروری می‌یابد.

قلم‌های نابینا و گرانسنگ افق‌های جدیدی را در حوزه نظر در برابر انسان می‌کشایند و طریق علم و دانش را به‌وجهی شایسته هموار می‌دارند. جویندگان حقیقت ناگزیر به بهره‌مندی از آموزه‌های آنند از این منبع است که قلم‌های متوسط یا کوچک‌تر مشروب می‌گردند و به‌نوعی منشأ اثر واقع می‌شوند.

به‌علاوه حفظ حرمت قلم به‌معنای اعم صرف‌نظر از عیار و مراتب ارزشی آن بر حیات و رشد آن خواهد افزود و غنای آن را ممکن خواهد ساخت. شیوه مطلوب در پاسداشت حریم قلم، احیای آثار قلمی بزرگان و تکریم اربابان قلم شناخته می‌شود. از این رهگذر است که می‌توان قلم را پاس داشت و بر شان و منزلت آن بیش از پیش افزود...



صنعت نفت از دیر باز کم‌وبیش پیشتاز در عرصه قلم و پیوسته کانون فعالیت بزرگان و مشاهیر علم و ادب بوده است؛ فرزانه‌گانی که با عرصه آثار قلمی خود نقش موثر در اعتلای فرهنگ این مرز و بوم ایفا نموده و با قلم پرتوان و گرانسنگ خویش بر گنجینه‌های آثار مکتوب افزوده‌اند. طرفه این که بیشتر این مشاهیر که سس از آنها می‌رود، به نسل گذشته این صنعت تعلق دارند. در این زمانه کمتر بزرگانی در آن طراز را در عرصه قلم می‌توان شاهد بود. دریغا که غفلت کانون‌های مسئول از مقام و نقش قلم، گرد فراموشی حتی بر نام و عنوان بسیاری از آنها پوشانده است؛ بسیاری از کارکنان حتی نمی‌دانند این بزرگان روزگاری در زمره همکاران نفتی بوده‌اند و سال‌ها

همچون آنان در جای جای این صنعت خاک خورده‌اند! و با آثار قلمی خود به تناسب افتخار آفریده‌اند. بزرگانی همانند محمدعلی موحد، حسن کامشاد، اسماعیل فصیح، منوچهر بزرگمهر، ابوالقاسم حالت، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، نجف دریابندری، عزت‌الله فولادوند، صفدر تقی‌زاده، مصطفی فاتح، حمید نطفی، ناصر نجمی، فواد روحانی، محمدعلی صفریان، پروین دولت‌آبادی، مهرداد مهرین، مسعود برزین، منوچهر فرامرزیان، مهدی ماحوزی، محمدجعفر مصفا، محمد تقی‌زاده، راهگانی و شمار دیگری از شخصیت‌های پرآوازه دیگر که نامشان همچون ستارگان تابناک در آسمان اندیشه و قلم می‌درخشد.

این بزرگان ایران بر ایفای وظایف اصلی خود در صنعت، با عرضه آثار قلمی توان و علایق خود را پیرامون موضوعاتی چون فلسفه، حقوق، سیاست، تاریخ، عرفان، دین، ادبیات، شعر، موسیقی، داستان، رمان، علوم اجتماعی، معماری و... آزموده و محصولات فکری ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ تا جایی که آثار برخی‌شان توفیق ترجمه به زبان‌های مختلف را هم یافته است و برای پدیدآورنده نسبتاً شهرت و آوازه جهانی آفریده است.

از این دسته که بگذریم، بوده‌اند نام‌آوران و فرزادگانی مانند سهراب سپهری، طاهره صفارزاده، و نامدارانی دیگر که ایامی را در جمع همکاران نفتی به فعالیت اشتغال داشتند و چند صباحی بعد رفته‌اند.

با کمال تأسف باید اذعان داشت در داخل صنعت تاکنون آنچنان که باید و درخور انتظار است در نکوداشت و بزرگداشت صاحبان قلم، کاری مستقل و ویژه صورت نگرفت؛ کانونی مسئول، این سرمایه‌های فکری را جدی نگرفت و در تجلیل و تجلیلشان نکوشید. ارباب قلم در مجموعه این صنعت پیوسته چونان آدمیانی غریب و مهجور، به کار خود مشغول بوده‌اند و بدون دست یاریگر و زبان تمجیدگر به دنبال ذوق و شوق خود رفته‌اند. انتظار می‌رفت که کانونی مسئول، در تجلیلشان به اقتضای شان و مقامشان همت می‌گماشت، دست‌کم به بهانه یا مناسبتی، مستقلاً جشن یا جشنواره‌ای در پاسداشت ارباب قلم در سطح صنعت شکلی می‌گرفت و به برترین

آثار، از هر رشته و با هر گرایشی، جوایزی اختصاص می‌یافت و آثارشان در معرض دید همکاران قرار می‌گرفت.

همیشه بر این اعتقاد بوده و هستم که هر سازمانی مسئول حمایت از گنجینه‌های علمی و موارث فرهنگی خود است. بر سازمان‌ها است که بزرگانی از این دست را ارج بنهند؛ مجالی در نکوداشت آنان فراهم آورند و به‌نوعی آثار فرهنگی‌اشان را قدردان باشند. در شرایطی که همه‌ساله در نکوداشت دیگر کسان تحت عناوینی چون: مدیران نمونه، کارمندان نمونه، صنعتگران نمونه و یا بازنشستگان نمونه صنعت مجلس می‌آرایند و در تجلیل‌اشان برنامه‌های باشکوه تدارک می‌دارند، در غفلت از این مهم چه توجیهی می‌توان داشت و چه بهانه‌ای می‌توان آورد؟ ...

نگارنده در این مجموعه خواسته است در حد توان، قدری جای خالی این مهم را پر کند و دینی را که سال‌هاست بر دوش خود احساس می‌کرده است، به‌قدر بضاعت ادا نماید؛ اگرچه از پیش می‌دانم در نکوداشت قلم و ارباب قلم این مقدار کمترین است؛ بالاتر از آن می‌باید.

مجموعه «نفت و قلم» با هدف معرفی نویسندگان نامدار در مجموعه صنعت نفت انتشار یافته است. تعداد نویسندگانی که در این مجموعه آمده است ۲۳ تن را شامل می‌شود. البته چنان‌که گفته شد این تعداد، بیشتر، مشاییر و نامداران را دربرمی‌گیرد، و الا نویسندگانی که در زمره کارکنان صنعت نفت به‌شمار می‌آیند - البته با آثاری محدودتر - خیلی بیشتر از این تعداد بوده و رقمی به چند برابر بالغ می‌شود. نگارنده امیدوار است در آینده، به فضل خدا و مدد شما علاقه‌مندان گرامی، در مجالی فراهم این دسته از نویسندگان را نیز شناسایی نموده و بر مجلدات این مجموعه بیفزاید.

هر یک از شخصیت‌های مورد بحث در این مجموعه در سه بخش مجزا معرفی می‌شوند؛ بخش نخست به بیوگرافی نویسندگان و مؤلفان صنعت نفت اختصاص داشته، مناصب اداری، خاستگاه ورود آنان به عرصه قلم و نویسندگی، و معرفی مهم‌ترین آثار نوشتاری آنان را شامل می‌شود.

بخش دوم به فهرست آثار نویسندگان اعم از تألیف، ترجمه و یا تصحیح و تثبیح اختصاص می‌یابد. در بخش سوم نیز برای آشنایی خوانندگان گرامی، منتخب یا منتخباتی از آثار نوشتاری نویسندگان، مستقلاً آورده می‌شود.

باشد این کوشش، که برای نخستین بار در ذیل موضوع «نفت و قلم» انجام شده است. به‌نوعی خود در بازخوانی صفحات خواندنی تاریخ صنعت نفت ایران، سهمی هرچند ناچیز ایفا کند و مخاطبان گرامی را در شناخت ارباب قلم و نویسندگان پراوازه صنعت نفت مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

در خاتمه از همکار دانشورم آقای دکتر محمدرضا مهدی‌زاده، رئیس محترم پرورش و طرح‌های جانبی مدیریت در شرکت ملی پالایش و پخش و آقای مهرداد امیرغیاثوند، سردبیر محترم نشریه زنگی نو، ویژه بازنشستگان صنعت نفت، که نگارنده را در ارائه بازه‌ای اطلاعات مورد نیاز، یاری رسانیده‌اند، کمال تشکر را دارد.

همچنین از همکار گرامی و دوست دیرینه آقای سید محمود قادری، مسئول محترم کتابخانه تخصصی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، برای در اختیار نهادن امکانات کتابخانه از جمله کتاب و مقالات از طریق سیستم سامتن، و نیز از آقای حاجی صادق، رئیس محترم صندوق‌های بازنشستگان پس‌انداز و رفاه صنعت نفت، آقای عبدالعزیزی، مشاور محترم هیأت رییس صندوق بازنشستگی نفت، و آقای مهندس مهدی مهرورز عضو محترم هیأت مدیره انجمن نفت و نویسنده دانشنامه نفت و انرژی به‌منظور راهنمایی‌هایی چند، تشکر و سپاسگزاری می‌کند.

نگارنده همچون سایر آثار خود، دست ارباب نقد و نظر را که به قصد هدایت و روشنگری، این مجموعه را دنبال نمایند می‌فشد و از دلالت‌های آنان کمال امتنان را دارد.

احمد راستخی لنگرودی

بهمن ۱۳۸۹